

# تجارت آزاد آمریکای شمالی

## اقتصاد جهانی و جهان سوم

(بخش دوم)

نویسنده: کورش احمدی

### اثرات غیر مستقیم «نفتا» بر جهان سوم

#### جهان سوم و دوران جدید

چنین به نظر می‌رسد که جهان سوم در دوره حاضر به یکی از نقاط عطف تاریخی خود رسیده است. در این دوره شرایط نوینی هم از حیث سیاسی و هم از جهت اقتصادی، هم در داخل این کشورها و هم در سطح بین‌المللی در حال شکل گرفتن است و بیشتر کشورهای جهان سوم نیز خود را بیش از پیش ناچار از تطبیق دادن با این شرایط جدید دیده‌اند.

پایان نظم دو قطبی در دوران جنگ سرد، هم به عمر یکی از دو الگوی رشد خاتمه داده و هم به پاره‌ای منافع جنبی که چنین نظامی، مستقیم یا غیر مستقیم، عاید بخش قابل توجهی از ممالک جهان سوم می‌کرد، پایان بخشیده است. تحت همین شرایط دوره اعطای «امتیازات تجاری» یا تخصیص منابعی تحت عنوان «کمکهای توسعه» با انگیزه‌های سیاسی و استراتژیک نیز در حال به سر رسیدن است.

جهان سوم، در پی تحولات تاریخی اوایل دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، اهمیت پیشین خود را در روابط بین‌المللی از دست داده و حتی بخشی از آن در معرض خطر رانده شدن به حاشیه و از دست دادن هرگونه نقشی در نظام بین‌المللی قرار گرفته است. لذا واقعیات موجود چنین می‌نماید که تنها آن دسته از کشورهای در حال توسعه به عنوان وزنه‌ای در نظام بین‌المللی آینده به حساب خواهند آمد که بتوانند از یک موقعیت اقتصادی قابل توجه برخوردار شوند.

به موازات فروپاشی نظام دو قطبی، اوج گیری و افزایش سرعت روند جهانی شدن اقتصاد نیز عامل مؤثر دیگری در شکل گیری ذهنیت‌های جدید در کشورهای جهان سوم بوده است. این روند که با امواجی از تکنولوژی‌های پیچیده، وسایل مدرن ارتباطی و تولیدات متنوع با کیفیت بالا همراه است، بیش از پیش در حال فائق آمدن بر مقاومت آن دسته از کشورهای در حال توسعه‌ای است که تاکنون نسبت به پیوستن به جریان اصلی اقتصاد جهانی اکره داشته‌اند.

تضعیف این مقاومت بویژه در زمانی امکان پذیر شده است که راه و روش‌های دیگری از جمله «راه رشد غیر سرمایه‌داری»، «استراتژی جایگزینی واردات» و امثال آن در عمل راه به جایی نبرده است. عدم موفقیت آن دسته از کشورهای جهان سوم که به این راه‌ها رفتند، در برابر جوامعی که به «تجارت خارجی آزاد» و «استراتژی توسعه صادرات» روی آوردند، تقریباً توجه همگان در سراسر جهان سوم را به خود جلب کرده است.

از طرفی، دگرگونی‌های ریشه‌ای در سیاست و اقتصاد بین‌المللی و در رأس همه، شکست اقتصادهای متمرکز در بلوک شرق در واقع روندی را که از قبل شروع شده بود به اوج خود رساند. این امر هم الگو و هم حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی از ناحیه این الگو را یکباره از صحنه ناپدید ساخت و در نتیجه تردید بسیاری از کشورهای در حال توسعه حتی آنها را که طی دهه‌ها بینش‌ها و روش‌های متفاوتی را صمیمانه و مجدانه پیگیری کرده بودند (مثل چین، هند، سوریه و...) بر طرف ساخت.

کاهش بیش از پیش اهمیت مواد خام و محصولات کشاورزی نیز که اغلب کشورهای در حال توسعه تاکنون برای کسب ارز خارجی به صادرات آنها وابسته بوده‌اند، عامل مهم دیگری در الزام جهان سوم به جستجوی راه‌های نو بوده است. نزول قابل ملاحظه بهای این مواد طی یکی دو دهه گذشته بیش از پیش ثابت کرده است که کشورهای در حال توسعه نه تنها دیگر نمی‌توانند با تکیه بر آنها (حتی مهمترین آنها یعنی نفت) وزنه‌ای در اقتصاد جهانی به شمار آیند، بلکه با توجه به رشد تکنولوژی و پیدایش مواد جایگزینی و علل دیگر هر روز درآمد حاصل از صادرات این اقلام کمتر و کمتر می‌شود.

مطابق گزارش بانک جهانی اگرچه کشورهای در حال توسعه از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ معادل ۴۵٪ بر حجم صادرات خود افزوده‌اند، اما کاهش شدید بهای اقلام صادراتی آنها عملاً مانع از افزایش درآمد این کشورها شده است. براساس این گزارش طی این مدت بهای قهوه ۷۰٪، بهای شکر ۶۰٪ پنبه و کانجو ۵۰٪ و متوسط بهای واقعی محصولات کشاورزی ۳۹٪ کاهش یافته است. در این گزارش همچنین پیش‌بینی شده است که تنها محتمل است که در اواخر دهه ۹۰ بهای این اقلام به کندی رو به رشد نهد. در همین

مورد درخور یادآوری است که بهای واقعی نفت نیز از سال ۱۹۸۰ تاکنون بیش از ۷۵٪ کاهش داشته است.<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی گرایش کشورهای جهان سوم به اقتصاد آزاد در داخل، و تجارت آزاد در خارج، با هدف نهایی پیوستن به جرگه صادرکنندگان کالاهای صنعتی متنوع و فرار از دور باطل اقتصاد تک محصولی از ویژگی‌های چرخشی است که اکثریت قریب به اتفاق این کشورها در حال انجام آن هستند. در همین حال، تلاش آنها برای جلب سرمایه‌های خارجی، اجرای پروژه‌های مشترک با شرکت‌های چند ملیتی و استفاده از اعتبارات بین‌المللی و بذل هر کوششی در راه احراز شرایط لازم برای این منظور از پیامدهای نمایان چنین چرخشی است.

این تحولات به نوبه خود باعث شده است که سازمان‌ها و تشکیلاتی چون گات، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که در چندین دهه اخیر تلاشی کند را به منظور اشاعه راه و رسم‌های اقتصادی مورد نظر خود در سراسر جهان صورت می‌دادند، ناگهان با اقبال تازه مواجه شوند و گوش‌های شنواتری در غالب کشورهای جهان سوم بیابند. (گفتنی است که همه عوامل فوق‌الذکر از جمله عواملی است که شکل‌گیری یک نظم اقتصادی در سطح جهانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته و عملاً در دستور کار قرار داده است.)

### جهان سوم و تجارت آزاد

در چنین شرایطی امضای یک موافقتنامه تجاری از نوع نفتا، خصوصاً با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیمی که بر کشورهای جهان سوم و آینده تلاش‌های جدید آنها خواهد داشت، نمی‌تواند مورد توجه این کشورها قرار نگرفته باشد. نفتا نه تنها از جهت اهمیت بسیار زیادی که بر تجارت بین‌المللی دارد، بلکه به خاطر اینکه یکی از کشورهای در حال توسعه را به بزرگترین قدرت اقتصادی دنیا مرتبط ساخته و بسیاری از دیگر کشورهای مشابه در منطقه را نیز در آستانه چنین ارتباطی قرار داده مورد توجه بسیار واقع شده است.

اثرات نفتا تنها به تجارت محدود نخواهد ماند و می‌تواند تمامی جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی مکزیک را تحت تأثیر قرار دهد، خاصه آنکه حجم اقتصاد مکزیک نصف اقتصاد کانادا و تنها حدود ۴٪ اقتصاد آمریکا است. لذا اجرای چنین موافقتنامه‌ای خصوصاً برای یک کشور جهان سوم با توجه به کوچک بودن نسبی اقتصادش می‌تواند از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار باشد. از این رو طبیعی است که تجربه مکزیک در این زمینه با علاقه از سوی دیگر ممالک جهان سوم پیگیری شود. در نتیجه انعقاد موافقتنامه نفتا، مکزیک که از نظر سیاسی در بخش اعظم قرن جاری سیاستی ملی‌گرایانه و برخوردار منفی با آمریکا داشته و از نظر اقتصادی مشی درون‌گرا و حمایتی را دنبال می‌کرده، اکنون پذیرفته است که تدریجاً مرزهای خود را بطور کامل به روی سرمایه‌ها و کالاهای آمریکا و کانادا بگشاید. دیگر کشورهای در حال توسعه در آن منطقه نیز از این ابتکار استقبال کرده و به تلاش در جهت احراز شرایط لازم برای الحاق به آن پرداخته‌اند، تلاشی که به نوبه خود باید به اقدامات آنها طی سالیان اخیر در راستای اصلاحات اقتصادی و نیز تحقق آنچه که آمریکا از آن به «دموکراسی» تعبیر می‌کند، منتهی شود.

نفتا به این ترتیب حامل پیام و الگویی برای کشورهای جهان سوم است. پیامی که این کشورها را به اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد و تجارت آزاد تشویق می‌نماید و الگوی مکزیک را و راهی را که این کشور در پیش گرفته پیشنهاد می‌کند. توفیق مکزیک در چنین راهی، خاصه اگر با منافع آشکاری نیز برای آمریکا همراه باشد، می‌تواند باعث اشاعه تجارت آزاد در آمریکای لاتین شود و کشورهای در حال توسعه در منطقه را در مسیر جدیدی قرار دهد.

نتیجه چنین روندهایی می‌تواند ادغام بخشی از کشورهای جهان سوم

● جهان سوم در پی تحولات تاریخی اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، اهمیت پیشین خود را در روابط بین‌المللی از دست داده و حتی بخشی از آن در معرض خطر رانده شدن به حاشیه و از دست دادن نقش مناسب در نظام جهانی قرار گرفته است.

● سرعت روند جهانی شدن اقتصاد، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری ذهنیت‌های جدید در کشورهای جهان سوم بوده است. این روند که با امواجی از تکنولوژی‌های پیچیده، وسایل مدرن ارتباطی و تولیدات متنوع با کیفیت مرغوب همراه است، بیش از پیش بر مقاومت آن دسته از کشورهای در حال توسعه که تاکنون نسبت به پیوستن به جریان اصلی اقتصاد جهانی اکراره داشته‌اند، چیره می‌شود.

● کاهش قابل ملاحظه بهای مواد خام و محصولات کشاورزی که بیشتر کشورهای در حال توسعه برای بدست آوردن ارز خارجی به صدور آنها وابسته بوده‌اند، در یکی دو دهه گذشته ثابت کرده است که این کشورها نه تنها دیگر نمی‌توانند با تکیه بر آنها (حتی نفت) و زنه‌ای در اقتصاد جهانی به شمار آیند، بلکه با توجه به رشد تکنولوژی و پیدایش مواد جایگزین و علل دیگر، هر روز درآمد حاصل از صادرات این اقلام کمتر می‌شود.

در اقتصادهای منطقه‌ای به عنوان نخستین گام در جهت پیوستن به بازار واحد جهانی باشد؛ در حالی که برای بخشی دیگر همچنان این خطر وجود خواهد داشت که به حال خود رها و بیش از پیش به حاشیه رانده شوند. با توجه به انگیزه‌های موجود در دو منطقه اقتصادی دیگر یعنی اروپا و خاور دور، این زمینه وجود دارد که تجربه نفتا خصوصاً در صورت توفیق، در آن مناطق نیز تکرار شود. نفتا می‌تواند مشوق مناطق مذکور به تجربه مشابهی باشد، خاصه آنکه قدرت‌های اقتصادی در این مناطق نیز می‌توانند کم و بیش انگیزه‌هایی مشابه با انگیزه‌های آمریکا و کانادا برای همکاری‌های تجاری با آن دسته از کشورهای جهان سوم که مجاور مرزهایشان قرار گرفته‌اند، داشته باشند.

کشورهای صنعتی شمال بطور کلی نگران هستند که مشکل افزایش بسیار سریع جمعیت در مناطق جنوب از یک سو، و فقدان رشد اقتصادی متناسب در این مناطق از سوی دیگر، در نهایت مشکلاتی اساسی برای مناطق ثروتمند و صنعتی شمال به وجود آورد.

مطابق برآورد سازمان ملل تا سال ۲۰۱۰ حدود ۱/۴ میلیارد نفر بر جمعیت کره زمین افزوده خواهد شد که تقریباً تمامی آن در محدوده جهان سوم صورت خواهد گرفت.<sup>۲</sup> این در حالی است که رشد اقتصادی غالباً منفی در مناطق جنوب (در دهه ۱۹۸۰) هیچگونه تناسبی با چنین رشدی در جمعیت نداشته است. این امر در سالهای اخیر خود را به صورت تشدید بیش از پیش فشار برای مهاجرت از جنوب به شمال و از کشورهای کمونیست سابق به اروپای غربی نشان داده است. در این سالها حتی کشورهایی که بطور سنتی مهاجرفرست نبوده‌اند، خود را ناچار از تحمل یا حتی تشویق بخشی از جمعیت بومی خود به مهاجرت به خارج به منظور کاهش فشار جمعیت و بعضاً کسب درآمد دیده‌اند. نتیجه آنکه مطابق برآورد صندوق جمعیت سازمان ملل تنها در اروپای غربی و آمریکای شمالی در حدود ۳۰ میلیون نفر مهاجر و پناهنده زندگی می‌کنند.<sup>۳</sup>

از طرفی تردیدی نیست که ادامه رشد جمعیت همراه با تداوم رکود و

● گرایش کشورهای جهان سوم به اقتصاد آزاد در داخل، و تجارت آزاد در خارج، با هدف نهائی پیوستن به جرگه صادرکنندگان کالاهای صنعتی متنوع و فرار از دور باطل اقتصاد تک محصولی، از ویژگی‌های چرخشی است که اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم به آن دست زده‌اند.

● نتیجه روندهائی چون شکل‌گیری «فتنا» می‌تواند ادغام بخشی از کشورهای جهان سوم در اقتصادهای منطقه‌ای، بعنوان نخستین گام در جهت پیوستن به بازار واحد جهانی باشد؛ در صورتی که برای بخشی دیگر، همچنان این خطر وجود خواهد داشت که به حال خودرها و بیش از پیش به حاشیه رانده شوند.

● کشورهای صنعتی شمال نگرانند که مشکل افزایش بسیار سریع جمعیت، و همچنین فقدان رشد اقتصادی متناسب در کشورهای جنوب، سرانجام مشکلاتی اساسی برای مناطق ثروتمند و صنعتی شمال پدید آورد.

برونزی، مازنی، سنگاپور، فیلیپین، تایلند، تایوان، چین و... در مجمع همکاریهای اقتصادی آسیا و اقیانوسیه APEC و شرکت سران این کشورها در اجلاس سیاتل (نوامبر ۱۹۹۳) یاد کرد. در جامعه اقتصادی اروپا نیز با وجود اکراه برخی از اعضا، تمایلات فزاینده‌ای نسبت به همکاری بیشتر و اعطای پاره‌ای امتیازات به کشورهای اروپای شرقی و نیز کشورهای واقع در حاشیه جنوبی دریای مدیترانه مشاهده می‌شود. در عین حال این خطر نیز وجود دارد که آن دسته از کشورهای جهان سوم که تأثیر مستقیمی بر شرایط زندگی در کشورهای صنعتی ندارند، یعنی نه خطری را متوجه آنها کرده و نه می‌توانند نفعی برای آنها در برداشته باشند بیش از پیش به حاشیه رانده شده و فراموش شوند.

اثر غیر مستقیم دیگری که نفتا می‌تواند بر سرنوشت جهان سوم داشته باشد نقش انکارناپذیری است که تصویب و اجرای آن در تضعیف گرایشهای حمایتی نیرومندی در کشورهای صنعتی داشته و خواهد داشت. این گرایش‌ها در راستای این اعتقاد است که تجارت آزاد با جهان سوم و حذف تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای در برابر تولیدات و محصولات کشورهای در حال توسعه باعث تشدید مشکلات اقتصادی در کشورهای صنعتی شده و در مجموع به کاهش سطح زندگی در این ممالک خواهد انجامید.

استدلال آنها این است که تجارت آزاد با جهان برای کشورهای صنعتی تجارتی است که از نظر اجتماعی غیرمنصفانه است. چرا که در غیاب شبکه‌های تأمین اجتماعی شامل انواع بیمه‌ها، پائین بودن دستمزدها، پائین بودن استانداردهای کار، فقدان ضوابط زیست محیطی و... تولیدات با هزینه کمتری در جهان سوم انجام می‌شود. ورود آزاد چنین محصولاتی به کشورهای غربی، صنایع و کشاورزی در این کشورها را سخت تحت فشار قرار می‌دهد و حفظ قابلیت رقابت آنها عملاً تنها در صورت کاهش دستمزدها و تعدیل شبکه‌های تأمین اجتماعی و مقررات مربوط به محیط زیست میسر خواهد بود.<sup>۶</sup>

غلبه این گرایش‌ها می‌توانست و هنوز می‌تواند خطری جدی برای کشورهای جهان سوم باشد، چرا که رشد اقتصادی این کشورها تا حد بسیار زیادی به توانائی آنها در فروش تولیداتشان به ممالک صنعتی وابسته است.

حتی وخامت اوضاع اقتصادی در مناطق جنوب بیش از پیش منابع طبیعی و محیط زیست در این مناطق را تحت فشار قرار خواهد داد. همچنین با توجه به افزایش وابستگی متقابل بین همه جوامع و مناطق جهان، آلودگی محیط زیست و نابودی منابع در جنوب به نوبه خود بر مخاطرات زیست محیطی برای تمامی کره زمین از جمله شمال خواهد افزود. بعلاوه افزایش جمعیت، فقر، گرسنگی و آلودگی محیط زیست خود می‌تواند زمینه‌ساز جنگها و تداوم بی‌ثباتی‌ها در جنوب بوده و اثراتی نیز بر شمال داشته باشند.

پل کندی مورخ مشهور آمریکایی در کتابی تحت عنوان «تدارک برای قرن بیست و یکم» آینده‌ای منفی برای بشریت پیش بینی کرده است. کندی در این کتاب بین جابجائی‌های جمعیت در قرن گذشته و نیمه نخست قرن حاضر و مهاجرت جمعیت در دوران کنونی تمایزاتی قائل شده است: اول آنکه مهاجرت در گذشته به مناطقی صورت می‌گرفت که بکر و خالی از جمعیت بود، حال آنکه در عصر حاضر مهاجرت به مناطقی است که نظمی مستقر و جا افتاده دارد. بعلاوه، سکنه بومی مناطق مهاجرپذیر رو به پیری دارند و به عکس جمعیت مهاجر عمدتاً جوان است. تداوم چنین مهاجرتی می‌تواند تهدیدی برای ثبات جوامع مهاجرپذیر به شمار آید و تدریجاً عکس‌العمل‌هایی دفاعی را در آنها سبب شود که به نوبه خود تهدیدکننده نظم سیاسی و اجتماعی در این جوامع خواهد بود. شاید نتوان رشد حرکت‌های شبه فاشیستی در غالب جوامع صنعتی طی سالهای اخیر را کاملاً بی‌ارتباط با این روندها دانست.

نکته مهم دیگری که پل کندی بر آن تأکید دارد تمرکز رشد اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژیک در شمال و رشد جمعیت در جنوب است. این امر خود باعث گرفتاری جنوب در خسرانی مضاعف و تداوم ناتوانی‌اش در خروج از بن‌بست توسعه نیافتگی شده است. ادامه چنین روندی نه تنها باعث استمرار و رشد مهاجرت می‌شود بلکه خسارت‌های دیگری نیز از جمله ناتوانی فزاینده جهان سوم به خرید تولیدات کشورهای صنعتی را در پی خواهد داشت. به اعتقاد کندی، اجتناب از مخاطرات عظیم ناشی از چنین تحولاتی، تنها در صورت پیشه کردن برخوردی دراندیشانه و روشن‌بینانه از سوی کشورهای صنعتی میسر خواهد بود.<sup>۷</sup>

در چنین شرایطی انعقاد موافقتنامه‌هایی از نوع نفتا با آن دسته از کشورهای در حال توسعه که در مجاورت جوامع صنعتی واقع شده‌اند، می‌تواند در عین حال به عنوان راه حلی برای تثبیت اوضاع در این کشورها مفید واقع شود. به عنوان مثال اکنون این آگاهی در جوامع صنعتی بوجود آمده است که تشدید مقررات صدور ویزا، سخت‌گیری در پذیرش مهاجر و پناهنده، تقویت کنترل‌های پلیسی در مرزها، تشدید مجازات‌ها برای استخدام کنندگان مهاجرین غیر قانونی و... تنها اثرات محدودی در کنترل مهاجرت خواهد داشت. حال آنکه حل اساسی و قطعی این مشکل تنها در صورتی ممکن خواهد بود که رشد اقتصادی و در نتیجه اشتغال کافی در کشورهای مهاجرفرست بوجود آید و موافقتنامه‌هایی از نوع نفتا می‌تواند در جهت تقویت رشد اقتصادی عمل کند.

این نوع موافقتنامه‌ها در عین حال کشورهای جهان سوم را متعهد به وضع و اجرای سلسله مقرراتی جدی برای حفظ محیط زیست خواهد کرد و در صورت توفیق در تعدیل مشکلات اقتصادی می‌تواند از طریق بالا بردن سطح آگاهی عمومی به حل مشکل افزایش جمعیت نیز کمک کند.<sup>۸</sup> (البته باید همواره در نظر داشت که افزایش سطح زندگی در کشورهای در حال توسعه به قصد صدور بیشتر کالا، استفاده از امکانات این کشورها مانند کارگر ارزان و بطور کلی بهره‌گیری از منافع تجارت آزاد در سطح جهانی همچنان در صدر اولویت‌های اصلی دولت‌ها و کمپانی‌ها در ممالک شمال است.)

در این زمینه، علاوه بر الحاق مکزیک به تجارت آزاد آمریکای شمالی و تعهد آمریکا به تعمیم آن به آمریکای لاتین، می‌توان از عضویت اندونزی،

سرانجام به صف طرفداران نفتا پیوستند. ۹ کشور در حال توسعه خاور دور بیشترین نگرانی را از ناحیه نفتا احساس می‌کنند و با توجه به حجم روابط اقتصادی آنها با آمریکا بیش از دیگر مناطق جهان سوم در برابر آن آسیب‌پذیر هستند.

## ب - تبعیضات تجاری نفتا نسبت به کشورهای غیر عضو

موافقتنامه نفتا حاوی پاره‌ای تبعیضات ضمنی در مورد کشورهای غیر عضو است، به گونه‌ای که اجرای آن در عمل می‌تواند کشورهای واقع در دیگر مناطق جهان از جمله کشورهای جهان سوم را با پاره‌ای عوارض منفی مواجه سازد:

### ۱- مقررات منشأ

در جریان مذاکراتی که به امضای موافقتنامه تجارت آزاد بین کانادا و آمریکا منتهی شد، و نیز طی مذاکرات سه جانبه برای امضای موافقتنامه نفتا، یکی از نکات عمده‌ای که مورد توجه نمایندگان سه کشور ذریبیط قرار داشت، اتخاذ تدابیری برای مستثنی کردن کالاها و خدمات دیگر کشورها از شمول امتیازات و دستاوردهای تجارت آزاد در آمریکای شمالی بود. هدف این است که از یک سو تنها کالاهایی که تماماً یا حداقل عمدتاً منشأ آمریکایی شمالی دارد از تسهیلات تعرفه‌ای و گمرکی ناشی از تجارت آزاد بهره‌مند شود و از سوی دیگر تضمین‌هایی حاصل شود که هیچ‌یک از سه کشور به پایگاهی برای صدور کالاها و خدمات سایر مناطق جهان به دو کشور دیگر آمریکای شمالی تبدیل نشود.

نتیجه عمده دیگری که می‌تواند از مقررات منشأ حاصل شود، تشویق بیش از پیش سرمایه‌گذاری در سه کشور عضو نفتاست. توضیح اینکه مطابق مقررات منشأ چنانچه ارزش افزوده بر مواد یا کالاهای واسطه‌ای وارداتی به منطقه به نحو قابل ملاحظه‌ای بالا باشد، کالای نهائی حاصله به عنوان کالائی که منشأ منطقه‌ای دارد تلقی شده و از امتیازات تجارت آزاد بهره‌مند خواهد گردید. در نتیجه چنین رویه‌ای، این احتمال وجود دارد که بسیاری از صادرکنندگان کالا به آمریکای شمالی تشویق شوند تا از طریق سرمایه‌گذاری در یکی از سه کشور عضو نفتا کالاهای واسطه‌ای را در محل به کالاهای صنعتی تبدیل و از امتیازات نفتا بهره‌مند گردند.

مقررات منشأ بویژه برای برخی از بخشهای صنعت در آمریکا و کانادا حائز اهمیت بسیار است. صنعت اتومبیل در آمریکا آماده است در صورتی که این مقررات منافعی را تا حد اکثر ممکن تأمین نماید، به هر طریق ممکن وارد مبارزه با آن شود. این صنعت بویژه نگران است که صنعت اتومبیل ژاپن از طریق مکزیک و تا حدودی کانادا ارقابت شدیدی را تحمیل کند. این مقررات همچنین از نظر صادرکنندگان نخ و منسوجات به آمریکای شمالی حائز اهمیت بسیار است.

هر یک از دو موافقتنامه تجارت آزاد دارای فصل خاصی در این مورد تحت عنوان مقررات منشأ است. در برخی موارد، مقررات مربوطه در نفتا تغییراتی را در مقررات منشأ در موافقتنامه دوجانبه ایجاد کرده و جانشین آن شده است. شایان ذکر است که فصل مربوطه در موافقتنامه نفتا بویژه از جهت تأثیراتی که بر تجارت بین سه کشور آمریکای شمالی از یک سو و مابقی مناطق جهان از جمله جهان سوم از سوی دیگر خواهد داشت حائز اهمیت است.

چنانچه اشاره شد، موافقتنامه دوجانبه آمریکا و کانادا، دایر بر ایجاد یک منطقه آزاد تجاری است و نه یک اتحادیه گمرکی. لذا در چارچوب این موافقتنامه و برخلاف آنچه که در مورد یک اتحادیه گمرکی مطرح است، آمریکا و کانادا اقدام به اتخاذ سیاست تعرفه‌ای مشابهی در قبال کالاها و خدمات ممالک غیر عضو نکرده‌اند. نتیجتاً در غیاب چنین سیاست تعرفه‌ای،

به عبارت دیگر، تنها این ممالک (خصوصاً اروپای غربی و آمریکا) هستند که از قدرت خرید بسیار بالایی برخوردارند و می‌توانند خریدار عمده تولیدات جهان سوم باشند. در صورت محدود شدن این بازارها تمامی کشورهای در حال توسعه چه آنها که به مدارجی از توسعه دست یافته‌اند (مثل کره جنوبی و سنگاپور) و چه آنها که تازه گام در راه نهاده‌اند (مثل چین و اندونزی) با مشکلاتی جدی مواجه خواهند شد.<sup>۷</sup>

## اثرات مستقیم نفتا بر کشورهای جهان سوم

با وجود آنکه در مجموع می‌توان اثرات غیر مستقیم و درازمدت موافقتنامه‌هایی از نوع نفتا را به خاطر جوی که در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند و همسویی که با سیاست‌های جدید اقتصادی در اکثر کشورهای جهان سوم دارد به سود این کشورها دانست، اما اثرات محدود و منطقه‌ای آنها طبعاً نمی‌تواند با منافع بالفعل ممالک غیر عضو همخوانی داشته باشد. هدف مستقیم این گونه موافقتنامه‌ها تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است و تحقق آن در عمل به معنی افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل بین کشورهای عضو خواهد بود. این امر می‌تواند عملاً به کاهش تجارت با کشورها و مناطق دیگر یا حداقل عدم افزایش آن طبق روال قبل بینجامد. با این حال باید توجه داشت که برخی عوامل، در عمل، باعث تخفیف اثرات منفی نفتا بر کشورهای جهان سوم خواهد بود. یکی از این عوامل اجرای تدریجی مفاد نفتاست. این امر به کشورهای جهان سوم که منافع تجاری عمده‌ای در آمریکای شمالی دارند امکان خواهد داد که تا حدودی خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و از شدت خسارات بکاهند. عامل مهم دیگر در چنین زمینه‌ای توافق‌هایی است که در چارچوب گات حاصل شد. این توافقها نیز می‌تواند تا حدی از اثر امتیازاتی که اعضای نفتا به یکدیگر داده‌اند بکاهد.

## الف - جهان سوم و آمریکای شمالی

امضای نفتا نگرانی‌هایی را نیز در بین بخش عمده‌ای از کشورهای در حال توسعه دامن زده است. این کشورها نگرانند که مکزیک با استفاده از امتیازاتی که در چارچوب نفتا به دست می‌آورد و نیز به خاطر مجاورت جغرافیایی با آمریکا در موقعیتی ممتاز قرار گیرد و بتواند بخشی از تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی کانادا و آمریکا را از دیگر کشورهای جهان سوم منحرف و به سوی خود جلب کند.

اهمیت این امر بویژه از آن جهت است که آمریکا دارای بزرگترین بازار مصرف در دنیاست. این کشور نه تنها بیش از ۹۲٪ از تولید ناخالص ۶ هزار میلیارد دلاری خود را در داخل مصرف می‌کند بلکه با واردات حدود ۵۵۰ میلیارد در سال بزرگترین کشور وارد کننده در جهان نیز به شمار می‌رود. چنانچه واردات مکزیک و کانادا را نیز بر آن بیفزاییم، اهمیت بازار مصرف در آمریکای شمالی بیش از پیش روشن می‌شود. در چنین شرایطی بسیاری از مناطق جهان سوم از نظر بازار خارجی و نیز سرمایه‌گذاری خارجی وابستگی نسبتاً زیادی به آمریکای شمالی دارند و نسبت به هرگونه تغییر در آن حساس هستند.

جدول صفحه بعد درجه وابستگی بازارهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به بازارهای آمریکای شمالی را نشان می‌دهد: (توضیح اینکه تنها بین صفر تا حداکثر ۳٪ ارقام جدول زیرراهی مکزیک و کانادا شده و مابقی جذب بازارهای آمریکا می‌شود.)

گرچه وابستگی آمریکای لاتین به آمریکای شمالی از هر جهت بسیار بیشتر از دیگر مناطق است اما کشورهای آمریکای لاتین با وجود نگرانی‌های اولیه، پس از آنکه اطمینان‌هایی مبنی بر پذیرفته شدن به جرگه اعضای یک «منطقه تجارت آزاد نیم کره غربی» در آینده دریافت کردند،

با این حال برخی دیگر از کارشناسان تذکر می‌دهند که ارقام فوق، از آنجا که شمار ارقام صادراتی از مکزیک به آمریکا و کانادا را مینا قرار داده نه ارزش آنها را، چندان منعکس کننده واقعیت نیست و ارزش کالاها بهتر می‌تواند گویا باشد. بر این اساس، تنها ۳۰٪ از کالاهای مکزیک بدون عوارض گمرکی وارد آمریکا می‌شود و از مابقی، حدود ۴۸٪ مشمول تعرفه‌های زیر ۵٪، و ۲۲٪ مشمول تعرفه‌های بالای ۵٪ قرار می‌گیرد. این درحالی است که به عنوان مثال حدود ۳۰٪ از کالاهای فیلیپین و حدود ۵۴٪ از کالاهای چینی با عوارضی بالاتر از ۵٪ وارد آمریکا می‌شود.<sup>۱۲</sup>

آمار مذکور حکایت از موقعیت ممتازی دارد که مکزیک پس از حذف تعرفه‌ها از آن برخوردار خواهد شد. به عبارت دیگر، درحالی که در پی اجرای نفتا کالاهای مکزیک از عوارض نه چندان بالای کنونی نیز به تدریج معاف خواهد شد، عوارض گمرکی بر کالاهای صادراتی دیگر کشورها و از جمله کشورهای جهان سوم همچنان باقی خواهد بود. این امر بویژه در ارتباط با کشورهای جهان سوم که دارای کالاهای صادراتی کم و بیش مشابهی برای صدور به آمریکا و کانادا هستند می‌تواند حائز اهمیت باشد. با این حال درخور ذکر است که میزان امتیازی که مکزیک از این جهت از آن برخوردار می‌گردد تا حد قابل توجهی در پی توافق‌های حاصل در خاتمه مذاکرات دوراروگونه و کاهش عمومی تعرفه‌ها تعدیل شده است.

### ۳- اقدامات اضطراری و مکانیسم‌های حل اختلاف

مطابق مقررات نفتا یک کشور عضو می‌تواند چنانچه خطری بیش از حد از ناحیه صادرات متوجه یکی از بخش‌های تولیدی خود دید تحت شرایطی اقدام به برقراری تعرفه‌های رایج قبل از اجرای نفتا نماید. اعمال سهمیه‌بندی نیز تحت شرایط سخت‌تری در نفتا پیش بینی شده است. علاوه بر مقررات مربوط به اقدامات اضطراری، دیگر رفتارهای تبعیض آمیز احتمالی نظیر اعمال مجازات‌هایی چون: عوارض ضد دامپینگ، عوارض ضد سوبسید و محدودیت‌های داوطلبانه صادرات می‌تواند توسط آمریکا و کانادا علیه دیگر مناطق و کشورهای جهان سوم با محدودیت‌های کمتری صورت گیرد.

در نتیجه مکزیک درچارچوب نفتا تضمین‌هایی به دست آورده که می‌تواند این کشور را تا حدود زیادی در برابر بهانه‌جویی‌های آمریکا محافظت نماید. این درحالی است که دیگر کشورهای جهان سوم فاقد چنین تضمین‌هایی بوده و در نتیجه در برابر گروه‌های نفوذ تجاری و صنعتی آمریکا که بسیار متعدد و نیرومند نیز هستند، آسیب‌پذیر باقی خواهند ماند. البته درخور ذکر است که مقررات مربوط به اقدامات اضطراری در نفتا نیز چندان دقیق تنظیم نشده و حداقل مقامات دولت جدید کانادا مؤکداً معتقدند که هنوز راه برای بهانه‌جویی‌های آمریکا کاملاً بسته نشده است. (گفتنی است که متعاقب اصرار دولت جدید کانادا، مقامات آمریکایی پذیرفته‌اند مذاکراتی برای دقیق کردن اقدامات اضطراری انجام دهند.) با این حال امتیازی که مکزیک از آن برخوردار شده امکان‌پذیر بودن توسل این کشور به «مکانیسم‌های حل اختلاف» است. مکزیک خواهد توانست از طریق پانل‌های پیش‌بینی شده در فصل مربوطه، در برابر محدودیت‌های تجاری احتمالی آمریکا به نحوی مؤثر اقدام کند.

به این ترتیب در مجموع دستیابی مکزیک به ضوابطی برای حل اختلاف، همراه با برخورداری از برخی امتیازها در زمینه اقدامات اضطراری می‌تواند در افزایش دسترسی مکزیک به بازارهای آمریکا و کانادا و نیز جذاب‌تر شدن آن کشور برای سرمایه‌های خارجی که در پی دسترسی راحت‌تر به بازارهای آمریکا هستند، مؤثر افتد.

### ۴- موانع غیر تعرفه‌ای

موانع یا تدابیر غیر تعرفه‌ای مجموعه مقرراتی غیر از تعرفه‌های گمرکی

صادرات به	صادرات	صادرات به
آسیای خاوری	۴۱۷	آمریکای شمالی
(%)	(۱۰۰)	۱۰۶
آسیای جنوبی	۲۷	(%)
(%)	(۱۰۰)	۵/۵
آمریکای لاتین	۱۳۰	(%)
(%)	(۱۰۰)	۵۶/۵
آفریقا	۸۶	(%)
(%)	(۱۰۰)	۱۵/۶
		(%)
		۱۸/۲

جدول صادرات مناطق درحال توسعه به آمریکای شمالی در سال ۱۹۹۰ (میلیارد دلار - درصد)<sup>۱۳</sup>

(توضیح اینکه مراد از کشورهای خاور دور در این جدول و در این بخش، کره جنوبی، سنگاپور، ناپوان، هنگ‌کنگ، چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، و تایلند است.)

مشترکی، موافقتنامه دوجانبه «مقررات منشأ» را برای اجرا در مورد کالاهائی که بین دو کشور مبادله می‌شود وضع کرده‌اند. بر این پایه تنها کالاهائی که در کانادا یا آمریکا «منشأ گرفته» یا با مقررات منشأ مطابقت دارد، مشمول امتیازات گمرکی پیش‌بینی شده در موافقتنامه دوجانبه تجارت آزاد می‌شود.

وضعیت مشابهی نیز در مورد نفتا صادق است. نفتا به نوبه خود سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک را از نقطه نظر منشأ کالاها و خدمات یک قلمرو واحد تلقی می‌کند و تنها کالاهائی که در این قلمرو منشأ گرفته‌اند از امتیازات پیش‌بینی شده بهره‌مند خواهند شد. با این حال درخور ذکر است که در موافقتنامه نفتا ترتیباتی نیز در مورد نحوه برخورد با کالاهای مکزیک در دوره انتقال پیش‌بینی شده است.

مقررات منشأ بطور کلی بین دو دسته کالا فرق می‌گذارد؛ نخست، کالاهائی که تماماً در یک کشور تولید شده؛ دوم کالاهائی که در یک کشور تولید شده اما حاوی موادی است که از کشور دیگر منشأ گرفته است. در مورد کالاهای دسته اول، مانند محصولات کشاورزی، گوشت، چوب و نظایر آن، تعیین منشأ می‌تواند به سهولت صورت گیرد. اما تعیین منشأ کالاهای دسته دوم غالباً کار ساده‌ای نخواهد بود. رویه معمول در این مورد این است که مواد وارد شده از کشورهای غیر عضو، در یکی از کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد به نحوی اساسی به کالای جدید و متفاوتی تبدیل شود. در این مورد آنچه حائز اهمیت است، ضوابطی است که باید مبنای احراز تبدیل و تغییر اساسی در مواد وارد شده از خارج از منطقه قرار گیرد.

### ۲- تعرفه‌ها

چنانچه قبلاً تشریح شد، با به اجرا درآمدن نفتا تعرفه‌های گمرکی بین سه کشور عضو طی چهار مرحله حذف خواهد شد. بدیهی است که حذف تعرفه‌ها بین سه کشور آمریکای شمالی، در شرایطی که تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی از دیگر مناطق جهان به آمریکای شمالی همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند، مشوق افزایش تجارت در داخل این منطقه به ضرر دیگر مناطق خواهد بود.

بسیاری از طرفداران نفتا در آمریکا و کانادا استدلال می‌کنند که بدون اجرای نفتا نیز، مطابق آمار، حدوداً ۷۰٪ از کالاهای مکزیک بدون پرداخت تعرفه وارد بازار آمریکا می‌شود و میانگین تعرفه‌های آمریکایی بر کالاهای وارداتی مکزیک از ۳/۴٪ تجاوز نمی‌کند. تعرفه‌های تحمیلی بر کالاهای مکزیک توسط گمرک کانادا حتی از این نیز کمتر است و متوسط آن از ۲/۴٪ تجاوز نمی‌کند.<sup>۱۴</sup> حال آنکه به عنوان مثال همین میانگین در مورد کالاهای وارداتی به آمریکا و کانادا از حدود ۳/۱٪ برای کالاهای سنگاپوری و ۱۳/۷٪ برای کالاهای هنگ‌کنگی متغیر است.<sup>۱۵</sup>

است که توسط دولت‌ها با هدف جلوگیری از ورود یا محدود کردن شماری از کالاها به داخل کشورها وضع می‌شود. این مقررات می‌تواند با هدف محدود کردن واردات (مثل اعمال سهمیه برای واردات یا منع واردات بدون مجوز)، جلوگیری از لطمه خوردن به یک بخش اقتصادی (اعمال عوارض ضد سوبسید یا توسل به اقدامات اضطراری)، اجتناب از اشاعه بیماری‌ها یا آفات نباتی (مثل ممنوع کردن ورود برخی محصولات کشاورزی از برخی کشورها)، حفظ محیط زیست (مثل منع ورود برخی اقلام که تولید آنها به قیمت لطمه خوردن به محیط زیست صورت گرفته)، حفظ هویت فرهنگی (مثل ایجاد محدودیت در ورود برخی اقلام هنری و ادبی) و... انجام گیرد.

در شرایطی که بعد از جنگ دوم تعرفه‌های گمرکی بین کشورها تدریجاً رو به کاهش نهاد، تعرفه‌های غیر گمرکی به عکس و با توجه به زمینه‌ها یا بهانه‌های جدید بیش از پیش اهمیت یافت و تدریجاً به موانع قابل ملاحظه‌ای در راه تجارت تبدیل شد. بخش اعظم این موانع غیر تعرفه‌ای در موافقتنامه نفتا مورد توجه قرار گرفته و تصمیماتی در ارتباط با آنها اتخاذ شده است. مطابق مفاد نفتا بخشی از این موانع بلافاصله یا به تدریج از میان برداشته خواهد شد و بخشی دیگر تابع مقررات نسبتاً روشنی قرار خواهد گرفت. نتیجه اینکه، از این نقطه نظر نیز مکزیکی می‌تواند در مقایسه با دیگر کشورهای جهان سوم در شرایط بهتری برای رقابت در بازار آمریکا و کانادا قرار گیرد.

#### ۵- سرمایه‌گذاری خارجی

موافقتنامه نفتا از لحاظ حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی که توسط کمپانی‌های آمریکای شمالی در منطقه صورت می‌گیرد از موافقتنامه دوجانبه تجارت آزاد آمریکا و کانادا بسیار فراتر رفته است. مطابق مفاد نفتا، مکزیکی تنها برای سرمایه‌گذاران آمریکایی و کانادایی اقدام به کاهش قابل ملاحظه محدودیت‌های موجود در اغلب بخش‌ها از جمله صنایع، معادن، کشاورزی، ماهیگیری، خدمات مالی و حمل و نقل خواهد کرد.

بعلاوه، سرمایه‌گذاری‌های کانادایی و آمریکایی از حمایت‌های بیشتری در برابر ضبط و مصادره برخوردار شده و از حق بازگرداندن سود حاصل به ارزهای قوی بطور کامل برخوردار خواهند شد. چنانچه قبلاً به تفصیل اشاره شد، حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری نیز تحت ضوابطی درآمده است. علاوه بر این، مفاد مقررات منشأ خود می‌تواند بیشترین نقش را در جذب سرمایه‌ها به مکزیکی (و تا حدودی کانادا) به ضرر دیگر کشورهای جهان سوم داشته باشد.

بدیهی است که این قبیل پیش‌بینی‌ها در موافقتنامه نفتا خواهد توانست بر امتیازات مکزیکی برای جذب سرمایه‌های آمریکایی و کانادایی بیفزاید. درحالیکه این امتیازات جذب سرمایه‌های آمریکایی و کانادایی به مکزیکی را بیش از پیش تشویق می‌کند و بازگشت تولیدات حاصله به بازارهای آمریکا و کانادا را بدون مانع میسر می‌سازد، سرمایه‌های دیگر نقاط جهان (نظیر سرمایه‌های ژاپنی و اروپایی) نیز به خاطر دسترسی راحت‌تر مکزیکی به بازارهای آمریکا، انگیزه مضاعفی برای استقرار در مکزیکی می‌یابد. (درخور یادآوری است که مکزیکی هم اکنون از امتیازاتی چون نیروی کار ارزان و نزدیکی جغرافیایی به بازار آمریکا برخوردار است.)

در این میان نه تنها پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌گذارانی از دیگر مناطق صنعتی جهان گرایش بیشتری به سرمایه‌گذاری در مکزیکی پیدا کنند، بلکه حتی از هم‌اکنون نشانه‌هایی مبنی بر تمایل برخی از صاحبان صنایع در کشورهای جهان سوم نیز با توجه به اجرای مقررات منشأ، حذف کامل تعرفه‌ها و... به فکر انتقال بخشی از سرمایه‌های خود به مکزیکی افتاده‌اند تا بتوانند حائز شرایط لازم برای دسترسی آسان به بازارهای آمریکا شوند.<sup>۱۳</sup>

● تمرکز رشد اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژیک در شمال و افزایش جمعیت و عقب‌ماندگی اقتصادی در جنوب، موجب گرفتار آمدن جنوب به خسارانی مضاعف و تداوم ناتوانی‌اش در خروج از بن‌بست توسعه نیافتگی است. چنین روندی نه تنها باعث استمرار و رشد مهاجرت از جنوب به شمال می‌شود، بلکه مشکلات دیگری از جمله ناتوانی فزاینده جهان سوم برای خرید تولیدات کشورهای صنعتی در پی خواهد داشت.

● علاقه کشورهای پیشرفته صنعتی به افزایش سطح زندگی در کشورهای درحال توسعه، تا اندازه زیادی از منافع شمال در صدور کالای بیشتر، استفاده از امکانات جنوب مانند کارگر ارزان، و بطور کلی بهره‌گیری از مزایای تجارت آزاد در سطح جهانی سرچشمه می‌گیرد.

در مجموع به نظر می‌رسد که نفتا بیشترین اثر را بر سرمایه‌گذاری در منطقه خواهد داشت. بیشترین انتظار مکزیکی این است که این موافقتنامه نقش عمده‌ای در سوق دادن سرمایه‌های لازم برای یک رشد اقتصادی مؤثر به سوی این کشور ایفا نماید.

#### ج - نفتا و برخی اقلام صادراتی جهان سوم

##### ۱- منسوجات و پوشاک

منسوجات و پوشاک کالاهایی است که ظاهراً بیش از هر کالای دیگر تحت تأثیر شرایط ناشی از اجرای نفتا قرار خواهد گرفت. وضعیت آینده این اقلام در آمریکای شمالی از دو جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه این اقلام از اقلامی است که کشورهای جهان سوم بیشترین رقابت را برای فروش آنها در بازارهای آمریکا و کانادا با یکدیگر دارند، و دوم اینکه بیش از هر کالای دیگر تحت تأثیر مقررات پیش‌بینی شده در نفتا قرار می‌گیرد. درخور یادآوری است که صنایع نساجی و پوشاک در آمریکا و کانادا از بخش‌هایی است که از طریق مجموعه‌ای از عوامل نظیر تعرفه‌های بالا و محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه از بیشترین حمایت برخوردار می‌شود. نیل به توافق در این زمینه از سخت‌ترین قسمت‌های مذاکرات نفتا بود و یکی از بیشترین نگرانی‌ها از حذف و فرار مشاغل در جامعه آمریکا از همین ناحیه است.

اجرای مقررات نفتا در مورد پوشاک و منسوجات، روند ادغام صنایع مربوطه در آمریکای شمالی را تسریع خواهد کرد. چنین روندی یعنی برقراری ارتباط بین صنایع نساجی آمریکا و مکزیکی، پیش از گفتگوهای نفتا آغاز شده و از طریق انتقال منسوجات آمریکایی به مکزیکی برای تبدیل به پوشاک و صدور مجدد آن به آمریکا تشدید شده است. این رویه خود عمدتاً ناشی از معافیت منسوجات تولید شده در آمریکا از عوارض گمرکی هنگام بازگشت مجدد به آمریکا به شکل انواع پوشاک است.<sup>۱۴</sup>

به هر صورت، یکی از نتایج مقررات مربوط به پوشاک و منسوجات می‌تواند ایجاد مشکل برای صادرات پارچه، نخ تابیده و الیاف مصنوعی از دیگر مناطق جهان باشد. مطابق آمار، در سال ۱۹۹۰، هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان ۲ میلیارد متر مربع پوشاک و ۱/۲ میلیارد متر مربع پارچه به آمریکا صادر کرده‌اند و صادرات همین اقلام در همان سال از کشورهای عضو «آسه‌آن» به آمریکا به ترتیب ۹۵۴ و ۴۹۱ میلیون متر مربع بوده است. این درحالی است که صادرات پوشاک و پارچه از مکزیکی به آمریکا در سال ۱۹۹۰ به ترتیب از ۱۷۴ و ۲۷۹ میلیون متر مربع تجاوز نمی‌کرده است. در همین حال آمار واردات آمریکا نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر یعنی حتی قبل از به اجرا درآمد نفتا و دستیابی مکزیکی به امتیازات ویژه برای

● تغییر مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری به زیان کشورهای جهان سوم و به سود تجارت داخلی در منطقه «نفتا»، به عواملی چون حجم تجارت کشورهای غیر عضو با آمریکای شمالی، شدت رقابت دیگر مناطق، میزان امتیازات داده شده به هر یک از محصولات و تولیدات منطقه، شاخص مشابهت و کشش جایگزینی بستگی پیدا می‌کند.

● خاوردور، به خاطر حجم و ترکیب صادراتش به آمریکای شمالی، در رأس مناطقی است که می‌تواند تحت تأثیر «نفتا» قرار گیرد. احساس عمومی در کشورهای خاوردور چنین است که: ۱- از این پس کالاهای مکزیک می‌تواند رقیب جدی تری برای کالاهای آنها در بازارهای آمریکای شمالی باشد؛ ۲- مکزیک در وضع بهتری برای جذب سرمایه‌های آمریکائی و کانادائی و نیز سرمایه‌هائی که در پی دسترسی آسان تر و مطمئن تر به بازارهای آمریکاست، قرار گرفته است.

- مکزیک به خاطر جمعیت نسبتاً بالا و افزایش سطح زندگی، بالقوه بازار خوبی برای تولیدکنندگان خودرو به شمار می‌رود. صنایع خودروسازی آمریکا و کانادا پس از اجرای نفتا خواهند توانست به ضرر دیگر کشورها دسترسی راحت تر و کم هزینه تری به بازار مکزیک داشته باشند.

#### ۴- نفت

نظر به اینکه بخش قابل توجهی از نفت وارداتی آمریکا از کشورهای درحال توسعه در آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه تأمین می‌شود، مفاد نفتا در مورد انرژی برای فروشندگان نفت به آمریکا حائز اهمیت است. آمریکا و کانادا، با وجود اصرار کمپانی‌های نفتی خود، ناچار از پذیرش مفاد قانون اساسی مکزیک مبنی بر ممنوعیت مشارکت خارجیان در صنایع نفتی و اکتشافات مربوطه در آن کشور شدند. بعلاوه، مکزیک توانست از سپردن تعهد دایر بر تضمین «تداوم عرضه تحت هر شرایطی» به نحوی که کانادا در چارچوب موافقتنامه دوجانبه تجارت آزاد، خود را به آن مقید کرده است، شانه خالی کند.

به این ترتیب، صنایع نفتی مکزیک تا حد زیادی از مفاد نفتا مستثنی شده است. با این حال در این زمینه نیز نفتا همچنان متضمن امتیازاتی برای آمریکاست.

نفتا همچنین امکان توسل به محدود کردن صادرات نفت و گاز و محصولات اصلی پتروشیمی را نیز به دلایل مرتبط با امنیت ملی بسیار محدود کرده است.

اگر چه آزادسازی تجارت مواد انرژی‌زا در مقایسه با دیگر بخشها در نفتا بسیار محدودتر است، اما همین امتیازات محدود، در شرایط مساوی بودن دیگر عوامل می‌تواند مشوقی برای گرایش یافتن مصرف کنندگان آمریکایی به سوی نفت مکزیک شود و نفت مکزیک و نیز نفت کانادا را برای کمپانی‌های آمریکایی مقبول تر و مطمئن تر نماید.

#### د - عکس العمل برخی از مناطق جهان سوم در قبال نفتا

تأثیر مناطق تجارت آزاد نظیر منطقه نفتا و اتحادیه اروپا بر مناطق مختلف جهان سوم و نقش آنها در تغییر مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری به ضرر این مناطق یکسان نیست و به عوامل متعددی بستگی دارد. بطور کلی تا آنجا که به نفتا مربوط می‌شود تغییر جهت تجارت و سرمایه‌گذاری به ضرر کشورهای جهان سوم و به سود تجارت داخلی در منطقه به عواملی چون حجم تجارت با آمریکای شمالی، شدت رقابت دیگر مناطق، میزان

دسترسی به بازار آمریکا، واردات پارچه و پوشاک مکزیک با سرعت خیلی زیادی درحال افزایش بوده است.<sup>۱۵</sup>

به این ترتیب، به نظر می‌رسد که مکزیک در شرایطی است که می‌تواند بیشترین استفاده را از آزادسازی تجارت با آمریکا و کانادا برای توسعه صنایع نساجی و پوشاک خود بنماید. در این میان آن دسته از کشورهای جهان سوم مانند اندونزی، چین، هند و پاکستان که سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در این بخش انجام داده‌اند، در مقایسه با مکزیک در موقعیت ضعیف تری برای رقابت در آمریکای شمالی قرار خواهند گرفت.

چنین وضعی بویژه در صورت عدم توفیق مذاکرات دوراروگون می‌توانست بسیار جدی تر باشد. درحالی که به نتیجه رسیدن این مذاکرات و حذف بخشی از عوارض گمرکی بر واردات پوشاک و پارچه در سطح جهانی تا حدی می‌تواند برتری تولیدات مکزیک بر تولیدات دیگر مناطق جهان را تعدیل کند.

#### ۲- فولاد

آمریکا یکی از کشورهای عمده واردکننده فولاد است. با این حال برخلاف منسوجات و پوشاک که واردات آنها به آمریکایی سال‌های اخیر به سرعت در حال افزایش بوده، واردات فولاد آمریکا در این سال‌ها تقریباً راکد بوده و از سال ۱۹۸۴ میزان آن و سهم هر کشور صادرکننده (شامل ۱۹ کشور علاوه بر جامعه اقتصادی اروپا) از طریق محدودیت‌های داوطلبانه مشخص شده است. سهم مکزیک از بازار فولاد آمریکا در سال ۱۹۸۴ معادل ۰/۴۴ درصد تعیین شد اما به تدریج افزایش یافت تا اینکه در سال ۱۹۹۲ به ۱/۱٪ رسید.<sup>۱۶</sup>

از طرفی در سالهای اخیر نوسازی صنایع فولاد مکزیک که با یک وام ۴۰۰ میلیون دلاری از سوی بانک جهانی نیز حمایت شده، باعث افزایش قابل ملاحظه صادرات فولاد این کشور گردیده است. در چنین شرایطی برخورد ارشدن مکزیک از رفتار ترجیحی در اثر نفتا باضافه هزینه تولید پائین در مکزیک می‌تواند به بهبود بیش از پیش قابلیت رقابت فولاد مکزیک در بازار آمریکا بینجامد.

مشخصاً بیشترین امتیاز نفتا برای مکزیک در این زمینه معاف شدن این کشور از اقدامات اضطراری عمومی آمریکا برای حمایت از صنایع فولاد داخلی خواهد بود. توسل به این تدابیر تاکنون مهمترین حربه آمریکا برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی فولاد بوده است.

#### ۳- خودرو

مطابق مقررات نفتا ۶۲/۵٪ از خودروهای سواری، وانت بارها و قطعات آنها باید در آمریکای شمالی ساخته شده باشد تا بتواند حین مبادله بین سه کشور از معافیت‌های مندرج در موافقتنامه استفاده کند. این رقم برای دیگر انواع وسائل نقلیه و قطعات آنها ۶۰٪ خواهد بود.

این مقررات می‌تواند به اشکال زیر بخش اتومبیل در دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار دهد:<sup>۱۷</sup>

- مقررات مذکور می‌تواند باعث شود که تولیدکنندگان انواع خودرو در آمریکای شمالی از خرید قطعات و لوازم خودرو از خارج از منطقه اجتناب کنند و در نتیجه ضررهایی متوجه کارخانه‌های تولید قطعات خودرو در پاره‌ای از کشورهای درحال توسعه شود. به عنوان مثال، دولت کانادا در بولتنی که درباره نفتا انتشار داده، در مورد خودرو و قطعات آن چنین آورده است: «این مقررات باعث تشویق ساخت قطعات اتومبیل در کشورهای عضو نفتا خواهد شد و به سود صنایع ساخت قطعات خودرو در کانادا که دو سوم کل کارگران شاغل در این بخش را در استخدام دارد، تمام خواهد شد.»<sup>۱۸</sup>

این صنایع تاکنون پیوسته از سوی صنایع مشابه با هزینه تولید پائین در آسیای جنوب شرقی و برزیل تحت فشار بوده است.

کره معتقدند که نفتا می‌تواند به صادرات اتومبیل، لوازم الکترونیکی، منسوجات و بسیاری از دیگر تولیدات کره‌ای به آمریکا آسیب رساند.<sup>۱۹</sup>

دیگر اقتصادهای خاور دور، اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه نیز نگرانی‌های مشابهی نسبت به نفتا دارند، با این تفاوت که کشورهایی چون اندونزی، مالزی و... عمدتاً نگران اثرات سوء نفتا بر صادرات پارچه و پوشاک خود به آمریکا و کانادا هستند. کشورهای آسیای جنوبی نیز که کالای عمده صادراتی آنها به آمریکای شمالی پوشاک و پارچه است، به دلیل مشابهی نگران تجارت آزاد در آمریکای شمالی هستند.

نکته حائز اهمیت در ارتباط با کشورهای خاور دور که در عین حال باعث افزایش درجه آسیب‌پذیری آنها در قبال ترتیباتی چون نفتا شده، این است که این کشورها همواره برای نیل به رشد اقتصادی به بازارهای خارجی بویژه بازارهای آمریکا وابسته بوده‌اند. مبادله کالا و خدمات طی دهه‌های گذشته در بین کشورهای این منطقه بسیار کمتر از حجم تجارت منطقه با خارج بوده و همین امر یکی از علل اصلی کندی نسبی روند شکل‌گیری منطقه اقتصادی در خاور دور در مقایسه با دو منطقه دیگر (اروپا و آمریکای شمالی) است. به عبارت دیگر، اقتصادهای خاور دور تاکنون کمتر توانسته‌اند مکمل یکدیگر باشند و نیازهای یکدیگر به بازار فروش را برآورند. علاوه بر دلایل ساختاری نظیر صادراتی بودن جهت‌گیری اقتصادی، پائین بودن نسبی قدرت خرید در منطقه و... برخی مسائل سیاسی و تاریخی مانند سوءظن مزمن کشورهای منطقه به ژاپن از موانع عمده شکل‌گیری یک بازار قدرتمند منطقه‌ای در خاور دور و اتکا مستمر کشورهای منطقه به بازارهای دیگر بوده است.

### آمریکای لاتین

کشورهای آمریکای لاتین تنها به دلیل امکانی که برای الحاقشان به نفتا و تشکیل «منطقه آزاد نیم کره غربی» وجود دارد، در یکی دو سال اخیر نظرات مثبتی نسبت به آن ابراز کرده‌اند. این کشورها امیدوارند که تحقق نفتا نخستین گام در جهت تعمیم تجارت آزاد به سراسر آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی باشد.

این در حالی است که تقریباً تمامی کشورهای منطقه در پی مطرح شدن ایده نفتا در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ برخوردی منفی با آن پیشه کرده و نگران آن شده بودند که در اثر تحقق این ایده اولاً مکزیکی راه خود را از دیگر کشورهای آمریکای لاتین جدا کند و ثانیاً این کشور به ضرر دیگران به شریک ممتاز آمریکا و کانادا تبدیل شود. در این خصوص بویژه کشورهای حوزه کارائیب و آمریکای مرکزی در ابتدا شدیداً نگران بودند و اعتقاد داشتند که نفتا بر تجارت آنها تأثیر منفی خواهد داشت، اما در این اواخر تا اندازه‌ای به خاطر تلاش‌های مکزیکی و وعده‌های آمریکا، کشورهای این منطقه نیز با کشورهایی چون کلمبیا، ونزوئلا، شیلی و... همصدا گشته، از نفتا استقبال کرده و خواستار الحاق به آن شده‌اند.

اعلام طرحی از سوی آمریکا به منظور گسترش تجارت آزاد به سراسر منطقه، تأثیر عمده‌ای در نحوه برخورد تمامی منطقه با نفتا برجای گذاشت. بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ژوئن ۱۹۹۰ طرحی را تحت عنوان «اقدام در جهت ابتکار عملی برای قاره آمریکا» اعلام کرد<sup>۲۰</sup> و به این ترتیب کوشید سیاست‌های خصوصی‌سازی اقتصادی و آزادسازی تجارت خارجی را که از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بطور جدی در اکثر قریب به اتفاق کشورهای آمریکای لاتین به صورت جدی مطرح بود، مورد حمایت و تشویق قرار دهد.

در این مدت، مکزیکی نیز کوشش داشته پیوستن خود به منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی را گام نخست در جهت شکل‌گیری تجارت آزاد در تمام نیم کره غربی معرفی کند. سالیانس رئیس‌جمهور مکزیکی در مصاحبه‌ای که پس از ملاقاتش با بوش در نوامبر ۱۹۹۰ داشت تأکید کرد

امتیازات اعطایی به هر یک از محصولات و تولیدات منطقه، شاخص مشابهت، و کشش جایگزینی وابسته است.

طبعاً کشورها و مناطقی که از حجم تجارت بالایی با آمریکای شمالی برخوردار هستند و در رأس آنها کشورهای خاور دور و آمریکای لاتین، بیشتر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

ترکیب صادرات هر کشور به آمریکای شمالی عامل مهم دیگر در سنجش میزان تأثیر احتمالی نفتا بر آن کشور خواهد بود. منظور از شاخص مشابهت در اینجا میزان مشابهت کالاهای صادراتی هر منطقه با هر کشور جهان به سه کشور آمریکای شمالی با کالاهایی است که این سه کشور می‌توانند از یکدیگر تأمین کنند. بر این مبنا، تنها کشورهای در نتیجه اجرای نفتا متحمل خساراتی خواهند شد که دارای صادراتی کم و بیش مشابه با کالاهای قابل مبادله در آمریکای شمالی باشند. هرچه میزان این مشابهت بیشتر باشد، احتمال وارد شدن خسارت به دیگر کشورها بیشتر خواهد بود.

از طرفی، هر اندازه میزان امتیازی که سه کشور در مورد یک کالای مشخص به یکدیگر می‌دهند بیشتر باشد و این کالا در مقایسه با کالای مشابه دیگر کشورها از تسهیلات بیشتری برای مبادله بین سه کشور برخوردار گردد، امکان اینکه سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهد بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال چنانچه چین که در حال حاضر از امتیاز کامل الوداد در تجارت با آمریکا بهره‌مند است، سال آینده به دلایل مرتبط با حقوق بشر این امتیاز را از دست بدهد، در مقایسه با مکزیکی در موقعیت باز هم ضعیف‌تری برای دسترسی به بازار آمریکا قرار خواهد گرفت.

در این زمینه عامل مهم دیگر کشش جایگزینی است؛ به این معنی که چنانچه به عنوان مثال یک کالای تولید شده در مکزیکی که می‌تواند بدون تعرفه و بدون برخورد با موانع غیر تعرفه‌ای وارد آمریکا شود، قابلیت جایگزینی کالایی دیگر از کشوری دیگر را داشته باشد، قادر به محدود کردن دسترسی آن کشور به بازار آمریکا خواهد بود.

\*\*\*

در چنین شرایطی مناطق و کشورهای مختلف جهان سؤم متناسب با میزان وابستگی‌شان به بازارهای آمریکای شمالی، عکس‌العمل‌های متفاوتی نسبت به نفتا از خود نشان داده‌اند. بطور کلی به استثنای کشورهای آمریکای لاتین، بقیه کشورهای در حال توسعه شکل‌گیری نفتا را تا حدودی با نگرانی دنبال کرده‌اند. (البته آمریکای لاتین نیز به نحو مشابهی در معرض تبعیضات نفتا قرار خواهد داشت. با این حال، امیدواری کشورهای این منطقه این است که در آینده‌ای نه چندان دور از منافع کلی‌تر تجارت آزاد بهره‌مند شوند و به منطقه «تجارت آزاد نیم کره غربی» بپیوندند.)

### خاور دور

منطقه خاور دور به خاطر حجم و ترکیب صادراتش به آمریکای شمالی در رأس مناطقی است که می‌تواند تحت تأثیر نفتا قرار گیرد. احساس عمومی در این کشورها این است که از این پس اولاً کالاهای مکزیکی می‌تواند رقیب جدی‌تری برای کالاهای آنها در بازارهای آمریکای شمالی باشد و ثانیاً مکزیکی در وضع بهتری برای جذب سرمایه‌های آمریکایی و کانادایی و نیز سرمایه‌هایی که مترصد دسترسی راحت‌تر و مطمئن‌تر به بازارهای آمریکاست، قرار گرفته است.

تاکنون محافل تجاری و مقامات در خاور دور تردیدها و نگرانی‌هایی نسبت به آینده روابط تجاری‌شان با آمریکا ابراز کرده‌اند. یکی از مقامات کره جنوبی ضمن اشاره به اینکه «صادرات کره به آمریکا ممکن است جای خود را به صادرات کالاهای ارزان‌تر مکزیکی بدهد»، خاطر نشان ساخته است که مکزیکی و کره جنوبی در بسیاری موارد رقیب یکدیگرند، چرا که ساختار صنعتی هر دو کشور مشابه است. «بسیاری از صاحبان صنایع در



تصویب نفتا در کنگره را «گامی نخست در جهت تحقق هدف تجارت آزادتر در سراسر منطقه» توصیف کرد.<sup>۲۲</sup>

کلینتون نیز در پیامی که یک روز پس از تصویب نفتا برای ۳۱ رئیس کشور آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی فرستاد تأکید کرد که نفتا «راهگشای تجارت آزاد در تمامی نیم کره غربی خواهد بود». وی اظهار امیدواری کرد که «مشارکتی» که شکل گرفته به مکزیک محدود نماند و همه آمریکای لاتین را در برگیرد.

همچنین، آل گور معاون رئیس جمهور آمریکا در سفری که اندکی بعد از تصویب نفتا به مکزیک داشت اعلام کرد که آمریکا تصمیم دارد از تمام سران کشورهای قاره آمریکا که بطور دموکراتیک انتخاب شده‌اند برای شرکت در یک نشست در آمریکا در سال ۱۹۹۴ دعوت به عمل آورد.<sup>۲۳</sup>

که نفتا را «یک پل محکم» برای اتصال شمال و جنوب قاره آمریکا می‌داند و معتقد است که این موافقتنامه مکمل «اقدام در جهت ابتکار عمل برای قاره آمریکا» خواهد بود.<sup>۲۱</sup>

شرکت کنندگان در اجلاس سران ۱۲ کشور آمریکای لاتین که در اکتبر ۱۹۹۳ در شیلی برگزار شد، با انتشار بیانیه‌ای «تصویب و اجرای نفتا را آزمایشی قطعی برای نقش آمریکا در منطقه» دانستند. (این اجلاس در آستانه طرح نفتا در کنگره ایالات متحده تشکیل شده بود). رهبران شرکت کننده در اجلاس همچنین از نفتا به عنوان «تحولی فوق العاده در منطقه» یاد کردند و اظهار امیدواری نمودند که «آمریکا از این پس در عمل نشان دهد که روشی جدید، سازنده و توأم با احترام با همسایگانش در قاره آمریکا دارد». رئیس جمهور آمریکا طی پیامی که برای این نشست فرستاد،

#### ● زیرنویس:

ساده لوح نیز نباید بود. ما در یک جهان واقعی زندگی می‌کنیم نه در یک دنیای رقابتی کامل و خالص. بسیاری به قواعد بازی واقعی نمی‌نهند... من توصیه می‌کنم که اروپا تجارت آزاد با مناطق جهان را به نسبت دوری و نزدیکی آنها تنظیم کند. به این ترتیب که تجارت آزاد در داخل اروپا کامل باشد، با مناطق همجوار مثل اروپای شرقی و آفریقای شمالی محدودیت بسیار کمتری داشته باشد و با مناطق دیگر نیز به تناسب درجه بندی شود. چنین سیاستی پاسخگوی مشغله‌های ژئوپولیتیک برای قاره ما هم خواهد بود.

H.S. - من اینگونه تقسیم بندی‌ها را نمی‌پسندم. این قبیل روشها می‌تواند به ایجاد بلوک‌های تجاری و به هم ریختن نظام تجارت بین‌المللی بینجامد.

Le Monde le 31 aout 1993

۷. در چند دهه اخیر آمریکا بازار اصلی برای تولیدات چهار اقتصاد تازه صنعتی شده خاور دور بوده است.

8. IMF Direction of Trade Statistics, 1991

۹. برای تهیه این قسمت عمدتاً از منابع زیر استفاده شده است:

- Jon R. Johnson: What Is a North American Good? The NAFTA Rules of Origin; C.D. Howe Institute (Toronto: 1993)

- Government of Canada: NAFTA - What's It All About? (Ottawa: 1993)

- Government of Canada: North American Free Trade Agreement (Ottawa: 1993)

10. U.S. International Trade Commission: The Likely Impact on the United State of a Free Trade Agreement with Mexico; USITC Publication 2353 Feb. 1991 p. 2-2

11. H.S. Kim and A. Weston: NAFTA and East Asia Developing Countries; North - South Institute, unpublished (Ottawa: 1992) p.5

12. Ibid. p.5

۱۳. در این مورد یکی از مسئولین تجاری اندونزی به نگارنده می‌گفت که دو تن از صاحبان صنایع نساجی آن کشور در سفری به منطقه در تابستان سال ۱۹۹۳ مطالعاتی در مورد امکان انتقال بخشی از سرمایه‌های خود به مکزیک انجام داده‌اند.

14. G. Hufbauer and J. Schott: North American Free Trade; Institute of International Economics, (Washington D.C.: 1992)

15. Far Eastern Economic Review, July 11, 1991

16. H.S. Kim and A. Weston: op. cit. pp. 12-13

۱۷. بدیهی است که در این زمینه تنها آن دسته از کشورهای درحال توسعه که دارای صنایع اتوموبیل پیشرفته‌ای هستند، مدنظر قرار دارند.

18. Government of Canada: The NAFTA at a Glance, (Ottawa: 1993) p.10

19. Kayser Sung: NAFTA and asia; Speech at a Seminar on NAFTA and Uruguay Round in Pakistan (unpublished) p.8

20. Keesing's Record of World Events 1990 p. 37526

21. Keesing's ...p. 37849

22. The New York Times, Oct. 19, 1993

23. Le Monde le 20 novembre 1993

1. Quoted by: the Globe and Mail, Oct. 5, 1993

2. M. Hart: op. cit. p. 31

3. Le Monde le 7 juillet 1993

4. P. Kennedy: Preparing for the Twenty - First Century Random House (New York: 1993)

۵. انتشار نقطه نظرانی از این قبیل طی چند سال اخیر در جوامع صنعتی رو به افزایش نهاده است. دو مطلب زیر از آخرین نمونه‌هاست:

P. Krugman: The Uncomfortable Truth about NAFTA Foreign Affairs Nov. /Dec. 1993

W.A. Orme.: NAFTA: Myths versus Facts Foreign Affairs Nov. /Dec. 1993

۶. متن زیر که خلاصه مطالبی است که توسط دو اقتصاددان فرانسوی و آلمانی در یک مناظره در محل روزنامه لوموند ابراز شده، می‌تواند به روشن شدن بیشتر موضوع کمک کند. یادآوری می‌شود که فرانسوی‌ها در مقایسه با دیگر جوامع غربی، بیشتر طرفدار سیاست‌های حمایتی هستند. دو اقتصاددان مذکور، Rhin Horst Siebert آلمانی و Gérard Lafay فرانسوی بوده‌اند:

خبرنگار - با توجه به وجود ۲۶ میلیون بیکار در کشورهای گروه ۷ و ۱۷ میلیون بیکار در جامعه اروپا آیا وقت آن نرسیده که به سیاست تجاری و محدودیت واردات به عنوان وسیله‌ای برای تخفیف مشکلات متوسل شویم؟

H.S. - نه، اصلاً، چون سیاست‌های حمایتی به ایجاد اشتغال ماندگار و قابل رقابت منتهی نمی‌شود.

G.L. - این درست، اما شرایط تجارت بین‌المللی نامساعد و نابرابر است. دستمزدها در اروپا ۶ برابر و قیمت اجناس ۵ برابر بیشتر از آسیا است. به عبارت دیگر، دستمزدها در آسیا، پس از تبدیل شدن به پول‌های بین‌المللی ۳۰ برابر کمتر از اروپاست. لذا در چنین شرایط نابرابر، رقابت آسان نیست.

H.S. - من این گونه استدلال‌ها را درک نمی‌کنم. به نظر من اصل مزیت نسبی اساس تجارت جهانی است. چین به کارگر ارزان و اروپا به بهره‌وری بالا متکی است. بعلاوه، مزیت اصلی تجارت آزاد، ارائه کالا به مصرف کننده با قیمت ارزان‌تر است.

G.L. - اما نرخ‌های مبادله هم حائز اهمیت است. وقتی نمی‌توانیم ممالک آسیایی را ملزم به تغییر نرخ برابری ارزشهایشان کنیم، باید از طریق اعمال تعرفه‌های گمرکی جلوی نرخ‌های غیر منصفانه را بگیریم. چون سیاست پولی و سیاست تجاری به هم مربوط است. از طریق تعرفه‌ها در واقع نرخ برابری تصحیح و شرایط عادی برای رقابت ایجاد می‌شود.

H.S. - نرخ برابری یک پدیده پولی است و بستگی به عواملی از قبیل حجم پول در گردش و... دارد.

G.L. - ارزش پول در بسیاری از کشورهای آسیایی مثل چین بطور مصنوعی و توسط دولت‌ها تعیین می‌شود...

H.S. - برداشت شما از تجارت بین‌المللی، ایستاست و عدم رشد و عدم خروج کشورهای جهان سوم از مدار توسعه نیافتگی را ثابت فرض می‌کند... نباید اثرات مخرب بازارهای بسته در اروپای شرقی و آمریکای لاتین در ۴۰ سال گذشته را فراموش کنیم. ما برای رشد تکنولوژی و افزایش کارایی به رقابت احتیاج داریم. G.L. - این درست است که سیاستهای حمایتی اقتصاد را به خواب می‌برد، اما